

روزنامه‌های دوران مشروطه منتشر می‌شوند

خبرگزاری میراث فرهنگی : انتشارات دانشگاه تهران به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطه، روزنامه‌های این دوره را منتشر می‌کند. این انتشارات هم‌اکنون شماره‌های برخی از روزنامه‌های این عصر را به چاپ رسانده است. «غلامحسین مراقبی» مدیر روابط عمومی انتشارات دانشگاه تهران گفت: «بنا به دلایلی که همواره در ایران موجود بوده است، نشریات درون مرز تا زمان پیروزی مشروطه هرگز در این کشور منتشر نمی‌شدند. « وی افزود: «تا آن زمان اگر نشریاتی به دست آزادیخواهان می‌رسید، نشریاتی بودند که در بیرون مرز چاپ و به درون کشور فرستاده می‌شدند که از آن جمله می‌توان به «حبل‌المتین» در کلکته، «اختر» در استانبول، «ثریا» در مصر و «قانون» در لندن اشاره کرد. « او در ادامه اظهار داشت: «با فرمان مشروطیت، چهار نشریه در ایران منتشر شد که با استقبال فراوان صاحبان آرا و اندیشه روبه‌رو شد اما از آن زمان تاکنون متاسفانه کمتر آثاری در کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های شخصی برجای مانده است. به طوری که خوانندگان علاقه‌مند به این نشریات و به ویژه پژوهشگران و تاریخ‌نگاران ناچار می‌شوند برای دستیابی به این آثار به افراد فراوان و کتابخانه‌های متعدد مراجعه کنند که همین امر موجبات زحمت و دشواری کار آنان را فراهم می‌آورد و بر مشکلات آنها می‌افزاید. « مراقی بر جمع‌آوری و انتشار این نشریات تأکید کرد و اقدام انتشارات دانشگاه تهران را در زمینه بازچاپ برخی از نشریات دوران مشروطه کاری شایسته و مشرثر عنوان کرد. او در ادامه از انتشار دوره‌های متعدد روزنامه‌های «حبل‌المتین»، «آموزگار»، «خورشید»، «تمدن»، «کوکب دری» و «یومیه صبح صادق» خبر داد و گفت: «انتشارات دانشگاه تهران تاکنون دو جلد از شماره‌های «حبل‌المتین» را به چاپ رسانده است که جلد اول از شماره ۱ تا ۱۵۷ و جلد دوم از شماره ۱۵۸ تا ۲۷۴ را شامل می‌شود و سایر شماره‌های این نشریه نیز هم‌اکنون در دست چاپ است. نشریه دیگر، روزنامه «آموزگار» است که از این روزنامه در دوران مشروطه تنها ۲۳ شماره در چاپخانه سعادت رشت به چاپ رسید و این انتشارات نیز همه شماره‌های آن را منتشر کرده است. « به گفته او، روزنامه آموزگار در سال ۱۳۳۹ قمری با مدیر مسئولی شادروان محمدتقی شیرازی منتشر می‌شد. این روزنامه وابسته به حزب دموکرات بود و از سیاست‌های این حزب جانبداری می‌کرد. مدیر روابط عمومی انتشارات دانشگاه تهران همچنین اظهار داشت: «این انتشارات همچنین ۱۲۰ شماره از روزنامه خورشید را چاپ و منتشر کرده است. این تعداد شامل همه شماره‌هایی است که در دوران مشروطیت از این روزنامه به چاپ رسیده است. « او از انتشار «خورشید» در سال ۱۳۲۵ قمری در مشهد به مدیر مسئولی «محمدصادق تبریزی» خبر داد و آن را به عنوان نشریه‌ای فکته‌گی معرفی کرد که در عصر مشروطه در چهار شماره به چاپ می‌رسید. مراقی درباره این روزنامه گفت: «متاسفانه به دلیل نفوذ نیروهای روسی و مخالفت مخالفان مشروطه، شادروان تبریزی نتوانست به کار خود ادامه دهد و انتشار این نشریه متوقف ماند، در حالی بود که این نشریه می‌توانست آگاهی‌های فراوانی را دربراره انجمن‌های خراسان در اختیار خوانندگان قرار دهد. « مدیر روابط عمومی همچنین با اشاره به روزنامه تمدن یادآور شد: «این نشریه نیز درست با آغاز مشروطه یعنی در سال ۱۳۲۴ قمری با مدیریت «محمدرضا مدبرالممالک هرنزی» منتشر شد. در این روزنامه اخبار پیروزی‌های مجاهدین شمال به چاپ می‌رسید. این روزنامه در ۸۰ شماره منتشر شده است که انتشارات دانشگاه تهران نیز همه شماره‌های آن را منتشر کرده است. « او به روزنامه «کوکب دری» که از روزنامه‌های سال ۱۳۲۵ قمری با مدیر مسئولی «ناظم الاسلام کرمانی» اشاره کرد و از انتشار همه شماره‌های این روزنامه توسط انتشارات دانشگاه تهران خبر داد. شماره‌های این روزنامه در دوران مشروطه طی دو سال منتشر شده بود. مراقی همچنین به انتشار ۱۵۱ شماره نشریه «یومیه صبح صادق» اشاره کرد؛ که همه این شماره‌ها در یک جلد به چاپ رسیده است. این روزنامه در ۲۳ صفر ۱۳۲۵ قمری در تهران منتشر شد و مدیرمسئول آن شادروان «عبدال‌الممالک» است. انتشارات دانشگاه تهران هم‌اکنون انتشار دوره‌های سیم و چهارم «حبل‌المتین»، «جارجی ملت»، «اقیانوس» و «الاسلام» و تعدادی دیگر از روزنامه‌ها را در دست جمع‌آوری، چاپ و انتشار دارد که به محض انتشار، اطلاعاتی از آنها در اختیار استادان، پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

همایش مشروطه مشروعه با هدف تحلیل و بازشناسی ابعاد گوناگون نهضت مشروطیت، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با همکاری معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۶ مردادماه همایش یکصدمین سالگرد صدور فرمان مشروطیت را برگزار می‌کند. «دکتر عزیز جواهری» رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با اعلام این مطلب به خبرنگار ایلنا گفت: در برگزاری این همایش سعی خواهد شد تا مشروطه مشروعه، خاستگاه‌های فکری – سیاسی نهضت مشروطیت، مطالعه تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، آسیب شناسی نهضت مشروطیت و نقش آذربایجان در این نهضت به عنوان محورهای اصلی این همایش مورد توجه قرار گیرد. وی انقلاب اسلامی ایران را دنباله مشروطه مشروعه خواند و از مسئولان استان آذربایجان شرقی خواست برای برگزاری هرچه بهتر این همایش دانشگاه آزاد اسلامی را یاری کنند.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir



صد سال



صد سال

گزارش سال ۱۳۱۵

سال‌سرلشگر

آیـم– رئیس نظمیـه کل کشور– که به بهانه بیماری از کشور خارج شده بود، از کار برکنار و فریاس رکن الدین مختار به جای وی نشست. آیـم کلاه بزرگی بر سر شاه خودکامه نهاده بود. پس از آن همه پرورنده سازی و دسیسه چینی و ناراضی تراشی و زد و بندهای سیاسی خود را به بیماری زد و پزشکان را نیز با ارباب واداشت تا نزد رضاشاه گواهی دهند وی به بیماری خطرناکی مبتلا شده که تنها در اروپا درمان پذیر است. آنگاه راهی اروپا شد و به تلگراف‌های پی در پی رضاشاه اعتنایی نکرد. مرغ از قفس پریده بود! همچنین علی منصور– پدر حسنعلی منصور نخست‌وزیر در آینده –وزیر سابق طرق و شوارع – وزارت راه –به اتهام دوقفـه رشوه‌خواری و یک مورد سوءاستفاده از مقام محاکمه شد. عباس آریا معاون وی و برخی از کارکنان بلندپایه آن وزارتخانه نیز از کار برکنار شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند. جالب توجه اینکه رضاقلی هدایت کفیل دیوان عالی

کشور که محاکمه علی منصور زیر نظر او انجام می شد، وی را از کلیـه اتهامات مبرا دانست و رای به بی گناهی منصور داد، اما خود مغضوب رضاخان واقع و از کار برکنار شد! رضاشاه چنان از این حکـم به خشم آمده بود که محسن صدر – صدراالاشراف پیشین– وزیر دادگستری را نیز برکنار و خانه نشین کرد؛ از این رفتار شاه پستی از آن که این محاکمه‌های به ظاهر قانونی برای تسویه حساب‌های سیاسی او با مخالفان درون سیستمی خودش برپا می شود نه برای اصلاح نظام اداری کشور به این ترتیب دستاوردهای جنبش مشروطیت ایران که تفکیک بود و استقلال آنها را تضمین می کرد، یکی پس از دیگری به دست رضاشاه از درون تهی می شد. پس از دخالت وی در «قوه مقننه» و انتخاب نمایندگان توسط او به جای مردم اکنون «قوه قضائیه» نیز تحت فرمان او درآمده بود؛ به طور کلی می توان سال‌های میان ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ را اوج دیکتاتوری رضاشاهی نامید. برخی مورخین بر این

دموکرات‌ها «دموکرات‌عامیون»

است، چاره‌کند. «دموکرات‌ها پس از ترسیم شرایط آن زمان کشور راه‌حل خود را برای جبران این عقب‌ماندگی این‌گونه ارائه می‌کنند: . . . باید حکومت قانونی تشکیل داد و دولت مرکزی را قوی ساخت و صنایع و سرمایه ملی را تقویت کرد.» «دموکرات‌ها دو تفاوت عمده با سایر احزاب سوسیالیست داشتند: ۱– بیش از حد ملی‌گرا بودند و با هرگونه مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور به‌شدت مخالفت می‌کردند. ۲– مدعی رفتار براساس اصول اسلام بودند، هر چند کاملاً مخالف دخالت علما در سیاست بودند. ^۱

■ سازمان حزبی

سازمان حزب دموکرات شامل حوزه‌ها، مجالس محلی، کنفرانس‌های ایالتی، کمیته‌های ایالتی، کنگروه عمومی و کمیته مرکزی بود. کمیته پارلمانی هم یکی از ارکان حزب به‌شمار می‌آمد. کمیته پارلمانی زیرنظر کمیته مرکزی فعالیت می‌کرد و دستورال لازم‌را از آنجا می‌گرفت. ارکان رسمی حزب روزنامه «ایران» نام داشت که به سردبیری محمدامین رسول‌زاده به انتشار اخبار و دیدگاه‌های دموکرات‌ها می‌پرداخت. روزنامه‌های دیگری هم در سایر شهرها از سوی شاخه‌های حزب منتشر می‌شد که از آن‌جمله می‌توان روزنامه‌های «اشفق در تبریز» و «بهار» در خراسان را نام برد. کمیته مرکزی حزب هم حمایت از یک مجمع ادبی را برعهده داشت که نشریه‌ای به نام «اکوید» برای آن انتشار می‌داد.

پی‌نوشت:

۱– بهار ملک‌الشعرا، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد اول، صفحه ۹
۲– سعیدی گلناز، شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۹۴– ۱۹۳ ص ۹۸
۳– همان
۴– انقلاب مشروطیت، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول فصل پنجم، احزاب سیاسی دوران مشروطیت، اتحادیه، ص ۴، م ۱۳۵

مشروطه

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۳۱

نردبان‌های قدرت رضاخان درهم می‌شکنند



نظامیانی که برای شاه زمین می‌خردند، به چه قیمتی می‌خردند و وجه آن را چگونه می‌پردازند! بایستی پرسید چگونه شد که آن افسر قزاق گرسنه و ژنده‌پوش در چند سال پادشاهی دارای گنجینه‌شها و جواهرات و ثروت‌های هنگفت افسانه‌ای شد؟ در این سال نیز مدرنیزم بی‌ریشه و شتابزده همچنان در جریان بود. تلفن‌های خودکار وارد تهران و نصب شد. شرکت سهامی ساختمان ایران با سرمایه ۳۰۰ میلیون ریال آغاز به کار کرد و ساختمان جدید مرکزی بانک ملی ایران در خیابان فردوسی گشایش یافت. همچنین راه‌آهن تهران–شمال در این سال مورد بهره‌برداری قرار گرفت. طول این خط آهن ۱۳۰ کیلومتر و دارای صدها پل و تونل در سراسر راه بود. شرکت سهامی گله‌داری ایران و نیز شرکت سهامی آبیاری ایران به منظور عمران و آبادانی زمین‌های کشاورزی در این سال تأسیس شدند. در آستان قدس رضوی نیز ساختمانی برای موزه، کلنگ زده شد. کارخانه قندسازی میاندوآب نیز

که ششمین کارخانه قند کشور بود، در این سال مورد بهره‌برداری قرار گرفت. وزارت فرهنگ نیز به منظور پیکار با بی‌سوادی، کلاس‌های شبانه اکابر، ویژه سوادآموزی بزرگسالان برگزار کرد. کلیه مردان بی‌سواد ایرانی که سن آنها بین ۱۸ تا ۴۰ سال بود، موظف شدند تا در این کلاس‌ها شرکت کنند. در سراسر ایران ۵۰۷ کلاس اکابر دایر شد. محمدرضا پهلوی– ولیعهد– نیز که در سال ۱۳۱۰ برای تحصیل به سوئیس رفته بود، در اردیبهشت‌ماه این سال به کشور بازگشت و در کرج مورد استقبال شاه و هیات دولت و نمایندگان مجلس قرار گرفت. شیخ خزعل حکمران خودخوانده خوزستان نیز که از سال ۱۳۰۴ در تهران زیر نظر نظمیه زندگی می‌کرد، در خردادماه این سال به دستور رضاشاه در خانه‌اش به قتل رسید. وی به هنگام مرگ ۷۵ سال داشت و از آن ثروت‌های هنگفت و کاخ‌های افسانه‌ای باشکوه چیزی برایش نمانده بود! نصرت‌الدوله فیروز– پسر فرمانفرما و وزیر مالیه پیشین– نیز که با میانجیگری مستوفی‌الممالک دوران حبس خود را در منزل می‌گذراند، دوباره دستگیر شد و پس از بازجویی،

به زندانی در سمنان منتقل شد. همچنین در مهرماه این سال دختران رضاشاه، شمس و اشرف پهلوی به ترتیب نامزد فریدون جم و علی‌قوام شدند. در بهمن‌ماه این سال آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم و مرجع بزرگ شیعی درگذشت. به همین مناسبت دولت تازه علنی‌آنها را اعلام کرد و بازار تهران و شهرستان‌ها سه روز تعطیل شد. از دیگر شگفتی‌های دوره دیکتاتوری رضاشاه یکی هم خودکشی علی‌اکبر داور وزیر پیشین عدلیه و وزیر وقت مالیه بود! داور که مردی توانا و کاردار و تحصیل‌کرده بود، در بهمن‌ماه این سال با خوردن تریاک، جان به قربان رفت و در راه تابش نور افلاک باشت. وزیر وقت مالیه بود! داور که مردی توانا و کاردار و تحصیل‌کرده بود، در بهمن‌ماه این سال با خوردن تریاک، جان به قربان آفرین تسلیم کرد. ظاهراً رضاشاه در جلسه هیات دولت از وی خشمگین شده و گفته بود: «برو بمیرا!» و داور هم که گوش شنوایی داشت، رفت و مرد. اکنون با مردن داور، تقریباً همه پله‌های پلکان قدرتی که رضاخان از آن بالا رفته بود، درهم شکسته بود!

مرکز نوطئه‌ها عین‌الدوله است

عزل عین‌الدوله از صدراعظمی بیشتر دیده و شنیده می‌شد. عین‌الدوله وقتی حوادث را ریشه‌یابی می‌کرد در نهایت به سخنرانی‌های شبانه پیدارکننده علمای تهران مرحوم بهبهانی و طباطبائی می‌رسید. لذا تصمیم گرفت در هر صورت این سخنرانی‌ها را تعطیل نماید. در چنین روزی جارجیان در شهر فریاد سر دادند که از امشب هیچ‌کس مجاز نیست سه ساعت از شب گذشته بیرون باشد. به نظمیـه نیز دستور داده شد هر کس را بعد از این ساعت دیدند، بازداشت و روانه زندان نمایند. این کار باعث زحمت بسیار برای مردم شد. بسیاری را به بهانه همین موضوع دستگیر و بعد از تخلیه جیب‌هایش روانه زندان می‌کردند. سپس با دریافت جریمه یک تومان و ده‌شاهی صبح فردا آزادش می‌کردند. ناظم‌الاسلام در تاریخ‌پیداری ایرانیان در این باره حادثه‌ای را نقل می‌کند: «در یکی از شب‌ها متجاوز از یک‌صدتن از تـجار و مردمان محترم را که از بازار به منازلشان مراجعه می‌کردند بازداشت می‌کنند و به نظمیـه می‌دهند. صبح اعظم السلطنه رئیس نظمیـه آنان را احضار کرد که چرا با این قـدغن اکید از منزل خود بیرون آمدید؟ بیچاره‌ها جواب می‌دهند که دولت ساعت سه از شب گذشته را قـدغن کرده است. ما کمتر از دو ساعت از شب گذشته بود که دستگیر شدیم.

رئیس نظمیـه می‌گوید چون دیشب شبوریچی اشتباهاً شبپور را کشیده است، شما آزادید. بروید. « آن بیچاره‌ها که طبق معمول آن شب‌ها جیب‌هایشان خالی شده بود به اعظم السلطنه می‌گویند:

«وقتی ما را بازداشت کردند کیسه و بغل ما را خالی کردند و اسباب و ساعت و پول ما را گرفتند. بفرمایید آنها را به ما رد کنند.» رئیس نظمیـه عصبانی می‌شود و دستور می‌دهد همه آنها را زندانی و برای آخر آنها جریمه مضاعف اخذ کنند تا «نوکران دیوان را متمم نکنند. البته اگر کسی جریمه نداشت او را به عوض جریمه چوب می‌زنند و یا در محبس نگاه می‌داشتند.

می‌ماند. با ورود مجاهدین به تهران، محمدعلی‌شاه مجلس را به توپ بسته اما لیاخوف روسی که فرماندهی قشون شاه را بر عهده داشت دست از مقاومت کشید و خود را اختیار سپهدار گذاشت. با فتح تهران به دست مجاهدین کمیته‌ای متشکل از میلیون‌محدثولی‌خان سپهدار را به سمت وزیر جنگ در دولت موقت تعیین کرد. شورای عالی چند نفر از مستبیدین و طرفداران محمدعلی‌شاه را به جرم خیانت محاکمه و محکوم به مرگ کرد. تلاش‌های ولی‌خان خلعت‌بری در راه آزادی و استقرار حکومت مشروطه ایران یکی از خدمات وی بود و ی در چند نوبت عهده‌دار پست ریاست وزرا و سپهسالار اعظمی که بزرگ‌ترین مناصب دولت آن زمان بود ناتل آمد. وی در سال ۱۳۴۴ ق. به دلیل بدهی به بانک استقراض روس و این که تمام اموال آن بانک به دولت واگذار شده بود و دولت هم در جهت وصول بدهی سپهسالار وی را باعث فشار قرار می‌داد و چون قادر نبود قروض خود را پرداخت نماید اقدام به خودکشی کرد.

سال سوم ■ شماره ۷۸۷

آزادی، فراری بزرگ تاریخ

پروین حسن‌خانی

نقش و نگار شعرهای تمام جنبش‌ها و انقلاب‌های جهان، آزادی است. شاید کمتر کشوری را بتوان یافت- و یا اصلاً چنین جایی دست‌نیافتنی باشد- که در آن بنایی با خیابان و میدانی به نام آزادی برپا نشده باشد. در عین حال قطعاً کشوری را هم نمی‌توان یافت که آزادی‌خواهان در بند نداشته باشد. در طول قرن‌ها، همچنان این ستوال باقی مانده که چرا آزادی، زاده عزیزکرده جنبش‌ها و انقلاب‌ها، این قدر زود از بین می‌رود؟ چرا نهالی که با خون آبیاری شده و برای بقای خود فقط به تابش نور ایمان و فشاندن عرق جبین تلاش نیاز دارد خیلی زود خشک می‌شود؟ هر کس فقط یک جان دارد که با از دست دادنش ثمره تلاش خود را برای دیگران می‌گذارد. ولی هستند کسانی که عاشقانه آن را تقدیم می‌کنند تا آزادی را برای دیگران به یادگار بگذارند. با این حال، چگونه است که با پایان هر جنبش و انقلاب و برقراری ثابت نسبی در جامعه، آزادی اولین قربانی این ثبات می‌شود؟

نفس کشیدن در فضای قدرت طلبی و مصلحت‌جویی برای آزادی ناممکن است.

هر دولتی که بر مسند قدرت تکیه می‌دهد برای بقای خود اقدام به وضع قوانین و دستورالعمل‌های مختلف می‌کند و همه را ملزم به رعایت آنها و عمل در چارچوب تعریف شده خود می‌نماید. هر کس که خارج از این چارچوب عمل کند و یا به نقد قدرت حاکمه بپردازد، از نظر صاحبان قدرت خطرناک تشخیص داده شده و به شیوه‌های مختلف در پی خاموشی‌اش برمی‌آیند.

قدرت، خوراک اولیه نفس اماره انسان است. جسم او را قوی کرده، امکانات مادی‌اش را افزایش داده و شأن و شوکت ظاهری‌برایش به ارمغان می‌آورد، در حالی که آزادی خواسته بزرگ روح آدمی است. آدمی که اندازه‌اش از خاک تا افلاک است. نفس افلاکیان در آشفتنگی خاک می‌گیرد، گرچه خود ریشه در خاک دارند، اما آفتقد رشد کرده‌اند که به دنبال رقص شاخه‌های خود در تابش نور افلاک باشند. وقتی به آزادی می‌رسیم، نمی‌توانیم آن را حفظ کنیم! زیرا به محض در آغوش کشیدنش برای او دایه می‌گیریم. دایه‌ای که شاخ و برگش خاکی است. دایه‌ای که شایستگی پرورش دانش را ندارد. دایه‌ای از جنس قدرت و برتری‌جویی. آزادی زیر فشار قدرت و برتری‌جویی خرد می‌شود و از بین می‌رود. دیگره دایه‌های آن به زمین می‌افتند تا با خون‌های دیگری آبیاری شده و رشد کنند، اما سرنوشت نهال بعدی نیز بهتر از پیشینیانش نخواهد بود. تاریخ این را گواهی می‌دهد.

صاحبان قدرت در اولین گام‌های استقرار خود به تعریف مفاهیم مختلف اجتماعی و سیاسی از دیدگاه خود می‌پردازند و معمولاً تاب تحمل تعاریف دیگر را ندارند، اگر چه بارها بنا به مصلحت خود را طور دیگری معرفی کرده و دیگران را دعوت به اظهارنظرهای مختلف می‌کنند. اینجا است که برای محدود کردن کلمه آزادی، واژه هرج و مرج یا بی‌بند و باری را سپر می‌کنند و در این فضاها نیستند که این مفاهیم هیچ‌گاه مورد پذیرش انسان آزاداندیش، مترقی و حتی عوام‌الناس نبوده و نیست.

چشم‌پوشی مردم از حق اظهارنظر بر عملکرد صاحبان قدرت، وجود قدرت مطلقه و حتی قدرت بر پایه مصلحت‌جویی، سوءاستفاده از پایه‌های ایندولوژیکی مردم، اصرار صاحبان قدرت به انديشيدن و تصمیم‌گیری به جای مردم و پافشاری‌شان بر اینکه فقط آنها می‌توانند صلاح و مصلحت مردم را تشخیص دهند و احتمال خطا برایشان وجود ندارد، آزادی را به فرار وامی‌دارد. حتی اگر برای احیای آن برجسته‌ترین افکار و مظلوم‌ترین پیکرها قربانی شده باشند.

خبر

مردم آذربایجان سابقه درخشانی در عدالت خواهی و آزادی طلبی دارند

به گزارش خبرگزاری شبستان از تبریز، اعضای کمیته اجرایی و علمی همایش یکصدمین سالگرد صدور فرمان مشروطیت دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با نمایان‌ولی فقیه در استان دیدار کردند. آیت الله محسن مجتهد شبستری در این دیدار از آذربایجانی‌ها به عنوان پیشستاناز حرکت‌های انقلابی و عقلانی یاد کرد و افزود: مردم این خطه سابقه درخشانی در عدالت خواهی و آزادی طلبی در طول تاریخ دارند. به گفته وی، این انقلاب در زمان حکومت استبداد توسط برخی علما و روحانیون و با دید و نظر مثبت شکل گرفت ولی به‌رغم این حرکت مصلحانه که هدف از آن به‌دست آوردن آزادی و مشروطه مشروعه بود، برخی غرب‌زده‌ها که اهداف دیگر را در پیش رو داشتند، مسیر این انقلاب مردمی را تحریف کردند که عملاً به شکست مشروطه اصلی و حقیقی منجر شد. امام جمعه تبریز افزود: نقش مردم آذربایجان در این خصوص مثبت و قیام آنان برای دستیابی به مشروطه مشروعه بوده است و انقلاب اسلامی ایران نیز که در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی از نهضت مشروطه شکل گرفت، از تجربیات مشروطیت بهره گرفت و چون به میزان آگاهی و قدرت تشخیص مردم افزوده شده بود، انقلاب اسلامی به تحریف کشیده نشد. وی خطاب به مسئولان همایش مشروطیت گفت: در برگزاری این همایش به اصل مشروطیت که بر ضد استبداد بود و تحریف آن توسط غرب‌زدگان، نقش مردم آذربایجان و روحانیت در این انقلاب، آسیب شناسی این واقعه و تطبیق انقلاب اسلامی ایران با انقلاب مشروطه مورد تأکید قرار گیرد.